

دراهریشه کن ساختن فقر

فاجعه
بزرگ
بشریت



آیت الله حسین نوری

وظائف فرمانروایان

- ۱- ارتباط و آمیزش مداوم با فقرا.
- ۲- ساده زیستن و با فقرا در نحوه زندگی شرکت داشتن.
- ۳- تأمین نیازهای ناتوانان و ایجاد کار برای بیکاران.



«فقر» از لحاظ مفهوم اقتصادی و همچنین پی آمدها و عوارض آن و از لحاظ وسعت و شیوع و از جهت علل و عوامل سیاسی، اقتصادی و فرهنگی که موجب پیدایش آن می گردند مورد بحث قرار گرفت و در مقاله گذشته این مطلب را متذکر شدیم که «فقر» در یکی از ابعاد و جهات خود با وظائف فرمانروایان جامعه ارتباط پیدا می کند و از دیدگاه دین اسلام فرمانروایان در این رابطه دارای این وظائف می باشند:

- ۱- باید با این گروه از جامعه که با تلخیهای جانفرسای زندگی مواجه بوده و

قامتشان در زیر بار سنگین مشکلات خم گردیده است هر چه بیشتر ارتباط داشته باشند و میان خود و آنان هرگز فاصله ای بوجود نیآورند تا در نتیجه با مشکلاتی که زندگی را در کام آنها تلخ و طاقت فرسا ساخته است آشنا گردند.

۲- نحوه زندگی خود را تا می توانند ساده و بی آرایش و بر پایه زندگی «فقرا» قرار بدهند تا هم از طرفی رنجهای آنها را لمس کنند و هم از طرفی موجب تسکین ناراحتیهای آنها از نظر اینکه باور کنند که زمامداران آنها در فکر آنان هستند و رنجهای آنها را کاملاً درک می کنند باشند.

در باره این دو موضوع شرح لازم داده شد.

اینک با توفیق خداوند بزرگ به توضیح موضوع ستم که یکی دیگر از وظائف مهم آنان را تشکیل می دهد و ما آنرا تحت عنوان «تأمین نیازمندیهای

ناتوانان و ایجاد کار برای بیکاران» تذکر دادیم می پردازیم.

همانطور که ملاحظه می کنید این موضوع خود دو قسمت است:

۱- تأمین احتیاجات زندگی ناتوانان.

۲- ایجاد کار برای کسانی که قدرت کار کردن دارند.

معنای قسمت اول این است که حکومت اسلامی وظیفه دارد آن دسته از کسانی که قدرت کار کردن را یا اصلاً و یا باندازه ای که بتوانند لوازم زندگی خود را فراهم کنند ندارند اداره کند و باین وسیله از افتادن آنها به کام «فقر و محرومیت» جلوگیری نماید یعنی: از اموالی که در اختیار دارد بودجه ای را باندازه ای که جوابگوی احتیاجات آنان باشد در نظر بگیرد و زندگی آنها را بطور کامل تأمین کند.

و این موضوع باین ترتیب باید صورت

بگیرد که دولت اسلامی، آمار دقیقی از ناتوانان، یتیمان، سالخوردگان، رنجوران و کسانی که نقص بدنی ای که قدرت کار کردن را از آنها سلب کرده است دارند و بطور کلی از کلیه کسانی که از اداره زندگی خود عاجز می باشند در سراسر کشور اسلامی چه دور و چه نزدیک چه گمنام و چه معروف بدون اینکه حتی یکفرود نادیده شود یا از قلم بیفتد بدست بیاورد و براساس آن با توجه به احتیاجات زندگی افراد از قبیل خوراک، پوشاک، مسکن، بهداشت و بهداری و لوازم دیگر زندگی در هر عصر و زمان، بودجه ای را بقدر کافی در نظر بگیرد و نیز وسائلی را فراهم آورد که بطور کامل بدست آنها برسد تا آنها مطمئن باشند که در پناه دولت اسلامی که مانند پدری مهربان و پشتیبانی مقتدر و دلسوز آنها را اداره می کند زندگی خواهند کرد.

البته در نتیجه بکار بستن این موضوع کلیه این قبیل افراد که از جهت ضعف و ناتوانی ممکن بود به ورطه فقر و محرومیت کشانده شوند اداره خواهند شد و از افتادن در چنگال فقر نجات خواهند یافت.

در این مورد برای روشن شدن منطقی اسلام توجه به این «یک حدیث» کافی است:

روزی حضرت امیرمؤمنان علیه السلام که در میان جمعی حضور داشت چشمش به پیرمردی که بینائی چشم خود را نیز از دست داده بود و دست احتیاج و سؤال به سوی این و آن دراز می کرد افتاد، حضرتش پرسید این وضع چیست؟ (کیفیت پریشانی آنحضرت خود، دلیل آن است که این وضع در محیط اسلامی برخلاف عادت و انتظار بود) در پاسخ گفته شد که: «این یک مرد نصرانی

است که ناگزیر سؤال می کند» حضرتش با کمال تأسف فرمودند: «این شخص تا هنگامی که قدرت کار کردن داشت کار کرده است. هم اکنون او را از بیت المال مسلمانان اداره کنید» (۱).

بطور کلی در این مورد بهتر این است که برای پی بردن به رسالت و مسؤولیت سنگینی که حکومت اسلامی در رابطه با اداره زندگی این قبیل افراد دارد مطلب لازم را یعنی وظیفه را از زبان فرمانروای بزرگ حکومت اسلامی یعنی:

حضرت امیرمؤمنان علیه السلام در آن دستوری که برای فرماندار کشور مصر یعنی «مالک اشتر» صادر نموده و در طی آن رهنمودهای کامل و جامعی برای اداره یک کشور بر اساس اسلام به وی ارائه کرده است بشنویم.

«لَمَّا لَمَّ اللَّهُ اللَّهُ فِي الْقَلْبَةِ الشُّقْلَى مِنْ الَّذِينَ لَا حِيلَةَ لَهُمْ مِنَ الْفَسَاكِينِ وَالْمُفْتَاحِينَ وَأَهْلِ الْبُؤْسِ وَالزَّمْنِيِّ فَإِنَّ فِي هَذِهِ الْقَلْبَةِ فَأَيْعَا وَمُعْتَرَا وَحَفْظَ اللَّهِ مَا اسْتَحْفَظَ اللَّهُ مِنْ حَقِّهِ فِيهِمْ وَاجْتَمَلَ لَهُمْ فِيمَا مِنْ بَيْتِ مَالِكَ وَفَسَا مِنْ غَلَاتِ صَوَا فِي الْإِسْلَامِ فِي كُلِّ بَلَدٍ فَإِنَّ لِلْأَقْصَى مِنْهُمْ مِثْلَ الَّذِي لِلْأَدْنَى وَكُلُّ قَدِاسْتُرِعَتْ حَقُّهُ فَلَا يَسْأَلُكَ عَنْهُمْ بَطْرُقَ فَإِنَّكَ لَا تُعْذَرُ بِتَضْيِيعِ التَّأْيِهِ لِأَحْكَامِكَ الْكَثِيرَةِ لَهُمْ».

فَلَا تُشْفِضْ هَمَّكَ عَنْهُمْ وَلَا تُصْعِرْ خَدَّكَ لَهُمْ وَتَقَدَّرَ أَفْرَاقَ مِنْ لَا يَصِلُ إِلَيْكَ مِنْهُمْ مِمَّنْ تَفْتَحُهُ الْعُيُونُ وَتَحْفَرُهُ الرِّجَالُ فَفَرِّغْ لِأَوْلِيكَ بِفَتْكَ مِنْ أَهْلِ الْخَشْيَةِ وَالتَّوَّاضِعِ فَلْيَرْفَعْ إِلَيْكَ أُمُورَهُمْ ثُمَّ أَعْمَلْ فِيهِمْ بِالْأَعْدَارِ إِلَى اللَّهِ يَوْمَ تَلْقَاهُ فَإِنَّ هَوْلًا مِنْ بَيْنِ الرَّبِّعَةِ أَخْوَجَ إِلَيَّ الْأَنْصَابِ مِنْ غَيْرِهِمْ وَكُلُّ فَاغْذِرْ إِلَى اللَّهِ فِي تَأْدِيبِهِ حَقَّهُ إِلَيْهِ.

وَتَعَهَّدْ أَهْلَ الْيَمِّ وَذَوِي الرَّقَةِ فِي السِّنِّ مِمَّنْ لَا حِيلَةَ لَهُ وَلَا يَنْصَبُ لِلْمَسْأَلَةِ نَفْسَهُ وَذَلِكَ عَلَى الْوَلَاةِ تَقْبِيلٌ وَالْحَقُّ كَلَّةٌ تَقْبِيلٌ».

یعنی:

در باره طبقة محروم جامعه: درماندگان، بیچارگان، تهیدستان،

نیازمندان و گرفتاران ورطه سختی و رنجوری از خدا بترس از خدا بترس.

زیرا در این طبقه افرادی وجود دارد که ذلت و بیچارگی خود را اظهار می دارد و افرادی نیز در این طبقه هست که بواسطه عفت نفس حتی از اظهار بیچارگی خود، خودداری می کند.

مراقب باش آن حقی را که آنان در گردن تو دارند و نسبت به آن مسؤولیت مهمی داری رعایت کن و در مراعات آن کوشا باش؛ قسمتی از بیت المال را به آنان اختصاص بده و قسمتی از غلات و بهره هائی را که از زمینهای مسلمین بدست می آید در هر شهری برای آنها مقرر بدان، زیرا دورترین ایشان همان حقی رادارند که نزدیکترین آنها ندارند و مسؤولیت تو نسبت بهمة آنها مساوی است و لذا لازم است در فکر انجام مسؤولیت خود نسبت بهمة آنان باشی چون ادای حق همه آنها از تو خواسته شده است.

میادا شادمانی و سرگرمی و فرورفتن در نعمت ترا از توجه به آنها و به اوضاع آنها غافل کند.

این را نیز بدان که توبعت پرداختن به کارهای بزرگ که به آنها بیشتر اهمیت می دهی و به انجام آنها اهتمام بیشتر داری اگر به کارهای کوچک توجه نکنی و از انجام کامل آنها بازمانی هرگز معذور نیستی زیرا مسؤولیت همه آنها بعهده تو گذارده شده است و تونیز چنین مسؤولیتی را پذیرفته ای بنابراین به کار یک یک فقرا باید رسیدگی بعمل بیاید و هیچیک نباید مورد بی توجهی واقع گردد.

و نیز مشوخه باش که از روی گردنکشی روی از آنان بر مگردان و با دقت تمام، اوضاع و کارهای کسانی را که دسترسی نتواند دارند و چشمها به آنها

با نظر حقارت و خواری می نگرند و آنان را کوچک و حقیر می شمارد مورد واری و رسیدگی قرار بده و افراد امینی را که از خدا می ترسند و متواضع نیز می باشند برای رسیدگی به احوال آنها موظف ساز تا کارها و وضع احوال آنها را بتو برسانند. و بالأخره درباره آنها چنان رفتار کن که روزیکه «خداوند» را در قیامت ملاقات می کنی عذرت را بپذیرد چه اینکه این طبقه در میان رعیت بیش از دیگران به عدل و داد نیازمند می باشند بنابراین در ادای حق هر یک از آنها باید در نزد «خداوند» عذر و حجت داشته باشی.

مخصوصاً درباره این دو طائفه مسؤولیت بسیار سنگینی داری:

۱- یتیمان که پدر و سرپرست زندگی خود را در دوران کودکی از دست داده اند.

۲- سالخورده گان ناتوان، که نه چاره ای در زندگی دارند و نه آمادگی درخواست از مردم.

آنچه که گفته شد بر حکمرانان سنگین است و بطور کلی حق سنگین و گران است ولی خداوند آنرا بر کسانی که در فکر عاقبت امور می باشند و خود را به تحمل صبر و شکیبائی وا می دارند و به وعده های خداوند متعال اطمینان دارند آسان می گرداند.



قسمت دوم از وظائف فرمانبروایان حکومت اسلامی در رابطه با «فقر و فقرا»

این است که برای افرادی که قدرت کار کردن دارند کار و وسائل کار ایجاد کنند.

و این موضوع بر این اصل استوار است که دین اسلام کلیه منابع ثروت را به نام «انفال» از قبیل زمین های موات، زمینهایی که مالک معین ندارند، معادن، جنگلها، نی زارها، دریاها، دریاچه ها، رودخانه ها، و قلعه کوهها را در اختیار حکومت اسلامی که در رأس آن ولی فقیه قرار دارد گذاشته است.

پیامبر اکرم «ص»: «

انکم لن تسعوا الناس بأموالکم فالقوم بطلاقة الوجه وحسن البشر».

(کافی - ج ۲ - ص ۱۰۳)

هر کس می آید لابد نیازی دارد و شاید راه باز شدن گره و مشکلی در اینجا پیدا شود. ما شاید آن مقدار امکانات نداشته باشیم که تمام نیاز افراد را برآورده کنیم، لکن موظفیم که در طرز برخورد به گونه ای برخورد کنیم که لااقل ناراحتی او برطرف شود.

امام خمینی

این نکته نیز روشن است که حکومت اسلامی باید این منابع را معطل نگذارد و مورد بهره برداری قرار بدهد و در نتیجه لازم است برنامه های اساسی در این مورد تنظیم شود تا با توجه به احتیاجات عصر و زمان و پیشرفتهائی که با تکنولوژی و صنعت بوجود آمده و با در نظر گرفتن لزوم تربیت افراد فعال و مبتکر و مخترع و متخصص در رشته های مورد احتیاج، کلیه امکانات و نیروهای انسانی با نظم و برنامه دقیق و کامل بکار گرفته شود تا هم منابع ثروت مورد بهره برداری صحیح و کامل قرار بگیرد و هم کلیه نیروهای موجود بطور وسیع بکار بیفتد در نتیجه هم مملکت بطور کامل آباد می گردد. و هم وابستگی از بین رفته و استقلال مملکت تأمین می شود و هم بیکاران به کار اشتغال پیدا می کنند و به ورطه فقر و محرومیت کشانده نمی شوند.

مانند نمونه های فراوانی را در تاریخ اسلام که حاکی از این موضوع که پیغمبر عزیز اسلام «ص» و حضرت امیرمؤمنان «ع» اهمیت بسیاری برای ایجاد کار برای افراد بی کار قائل بوده اند در دست داریم که در اینجا برای نمونه به ذکر یکی از آنها اکتفا می کنم.

روزی شخصی به حضرت پیغمبر صلی الله علیه وآله برای درخواست کار مراجعه کرد پیغمبر «ص» تبر و ریسمانی به او داد و فرمود با آن تبر از بیابان هیزم

بگند و با آن ریسمان ببندد و در بازار بفروشد تا معیشت خود را از آن راه با آبرومندی تأمین کند.

و در ضمن تأکید فرمود که نتیجه عمل خود را به آنحضرت گزارش دهد.

این موضوع شاید بنظر برخی از افراد یک موضوع کوچک و فردی جلوه کند ولی اینطور نیست بلکه پایه و اساس یک موضوع مهم اقتصادی است و درسی است بزرگ و آن این است که حکومت اسلامی در هر عصر و زمان وظیفه دارد برای کسانی که قدرت کار کردن دارند وسائل و مقدمات کار آنها را فراهم کند و نیز نظارت کامل بر جریان امور کار و کارگر داشته باشد.



۱- وسائل الشیعه ج ۱۱ ص ۴۹.

۲- شبهات حول الاسلام ص ۱۰۱.